بسم الله الرحمن الرحیم

**درک الوهیت الله و فقر انسان به خداوند**

انگیزه سازی

بحثی در باب دعای جوشن کبیر تقدیم می کنیم. در این دعا انسان هزار اسم از اسامی خداوند را صدا می زند و در پایان هر ده اسم این عبارت تکرار می شود که: «سُبْحَانَكَ‏ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَب‏».( المصباح للكفعمي (جنة الأمان الواقية)، ص: 247 و زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص: 430) در این عبارت است که بعد از شمردن فرازهای دعا ، اسامی مختلف خداوند در آن ذکر می شود. اما برای فهم این فضای دعا مقدمه ای بیان می کنیم.

متن ومحتوا

خداوند متعال در عالم همه کاره است و حول و قوه ای جز او نیست. همه چیز در عالم به او تکیه دارد و در اختیار اوست. همه ی عالم جنود و لشکر خداست، حتی این دست و پای ما که رام ما هستند و با آن هرکار بخواهیم می کنیم و اینها ساکت هستند این ها هم جنود خداست و همین هاست که در روز قیامت به حرف می آیند و برعلیه همین انسان شهادت می دهد. «وَ قالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنا قالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْ‏ء»(فصلت/21) این نشان می دهد که این ها در واقع در اختیار خداوند هستند. «وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ»(فتح/4) پس ما تکیه گاهی قوی داریم که خداست.

اما اگر کسی این تکیه گاه را شناخت خیالش راحت می شود و به وادی امن می رسد. «أَلا إِنَّ أَوْلِياءَ اللَّهِ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُون»(یونس/62) در واقع ترس و غصه دو مامور خداوند هستند که ما را تحویل خدا می دهند. وقتی به او رسیدی هر دو دیگر می روند. برای چه بترسد؟ مرگ، انتقال ما توسط همین خداست که ما را به دنیای بزرگتری می برد؛ مثل انتقال از رحم به این دنیا. اگر کسی این تکیه گاه را پیدا کند دیگر خوف و حزنی نیست. همه مسئله همین است که ما اضطرارهای خود را بفهمیم. در دعای عرفه حضرت می فرمایند «وَ أَوْقِفْنِي عَلَى مَرَاكِزِ اضْطِرَارِي»( إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ج‏1، ص: 349) یعنی ما مضطر هستیم و البته باید به این فقر خودمان متذکر هم باشیم.

دیگر این که وقتی ما خیلی به این دنیا و اسباب آن تکیه می کنیم و از دست خدا غافل شویم خداوند آن اسباب را از ما می گیرد تا ببینیم که تکیه گاه  فقط خداست و ما غافل هستیم. بله اوست که کل این عالم بر او تکیه دارد که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا»(فاطر/41). پس اگر این فقر را بشناسیم و آن را به اسباب و... ارجاع ندهیم و بتکده هایمان را ویران کنیم، کم کم حضور حضرت حق و اله حقیقی را پیدا می کنیم.

**نسبت اسماء الهی در عالم و رویت آن و درک حضور خداوند**

اما خداوند هر آنچه به ما می دهد، از طریق اسماء الحسنی الهی است. اگر علمی داریم، او داده است و بلکه چیزی از او در ما پیدا شده است. نوری بر قلب ما تابیده است. اسماء است که فقرهای ما را تامین می کند که «وَ بِأَسْمَائِكَ‏ الَّتِي‏ مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْ‏ء»( زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص: 60 و تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان)، ج‏3، ص: 126) همه عالم پر از اسماء اوست. ما محتاج به خدا از طریق اسماء او هستیم. و این اسماء هم مخلوقات خداوند هستند و در اختیار خداوند هستند. به غیر او هم نباید تکیه کرد. استعانت از خدا و اسماء او همین است. و این که کسی به اسم اعظم برسد هرکاری می کند و اختیار و قوه عجیبی پیدا می کند به همین خاطر است.

اما در این دعا شما خدا را به اسمائش می خوانید و استمداد می کنید. «وَ لِلَّهِ الْأَسْماءُ الْحُسْنى‏ فَادْعُوهُ بِها»(اعراف/180) البته این دعا را از دو زاویه می توانید نگاه کنید. یک زاویه آن خواندن خدا و توحید است با اسماء خداوند. در نگاه دیگر دعا سراسر ولایت است زیرا این اسماء اهل بیت هستند. اما ما از زاویه اول مسئله را نگاه می کنیم. انسان با دیدن این اسماء حضور او را احساس می کند لذا قدری از الوهیت را گویی مشاهده کرده است و می گوید «لا اله الا انت» و همین حضور اجازه مخاطبه با ضمیر «انت» را می دهد. پس می گویی : فقط تویی که این اسماء را داری و الوهیت تو در عالم جاری است. ما بقی همه فقیر هستند و فقط او غنی و صمد است. اوست که حکیم و قدیر است. پس به نفی الوهیت غیر خداوند می نشینید. کسی که این اسماء را ندارد که اله نیست. این هزار اسم فقط برای اوست. و البته "الله" جامع این ها است. و در این دعا به تفصیل او را می خوانید. اگر کسی اسم را درست صدا بزند امکان این مشاهده الوهیت را فراهم می کند.

**تسبیح بعد از رویت اسماء الهی و استغفار برای خروج از شرک**

اگر انسان به این ها توجه کرد و اسماء را ذکر کرد ؛ این که کسی چیزی ندارد را متوجه می شود واین که خیلی ما اشتباه کردیم و دچار شرک شدیم ؛ لذا به تسبیح و تنزیه او می نشیند و می گوید: «سبحانک» و بعد متوجه می شود که این شرک جهنم هم برپا کرده است و از خدا می خواهد که به فریادش برسد و از این آتش نجات بدهد. اما این شرک ها را باید دقیق تر دید و این آتش را بررسی کرد و بفهمد چطور باید از آن خارج شد. این دعا سراسر توحید است و با هر فرازی تجلیِ خاصی را می بینیم و الوهیت را قدری بیشتر می چشیم و آنو قت می توانیم درخواست خروج از شرک هایمان را داشته باشیم.

اما استغفار از تمام گناهان در واقع استغفار از شرک است؛ زیرا ریشه همه آن ها شرک است. اگر کسی دزدی می کند یا دروغ می گوید در واقع مشرک است. کسی که دروغ می گوید در واقع رزق خود را بدست خداوند نمی داند و او را رزاق نمی داند و قائل است که خدا از طریق حلال نمی تواند مشکل مرا حل کند. پس اصل توبه ما هم از شرک هاست و جهنم ما هم همین است. و باید این شعله ها را خاموش کرد.